



قرآن تجلیِ جميع صفات کمال بی‌نهایت پروردگار است / شناخت خدا چگونه حاصل می‌شود؟

مفسر قرآن کریم گفت: اگر می‌خواهید بفهمید قرآن چیست؟ باید بدانید که قرآن تجلیِ جميع صفات کمال بی‌نهایت پروردگار است و جای آن فقط در ختم و مجلس مرده‌ها نیست.

مفسر قرآن کریم گفت: اگر می‌خواهید بفهمید قرآن چیست؟ باید بدانید که قرآن تجلیِ جميع صفات کمال بی‌نهایت پروردگار است و جای آن فقط در ختم و مجلس مرده‌ها نیست.

به گزارش خبرنگار فعالیت‌های قرآنی خبرگزاری فارس، حجت‌الاسلام استاد حسین انصاریان، محقق، مفسر و پژوهشگر قرآنی در ادامه مجالس سخنرانی‌های خود، در دهه سوم ماه محرم در امامزاده ابوالحسن شهرری به سخنرانی پرداخت. بخشی از مهمترین سخنان این استاد فرزانه را در ادامه می‌خوانیم:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ»؛ «آتیناهم»؛ به معنای عطا کردن است. کسی که کتاب، یعنی قرآن مجید را عطا کرده، وجود مقدس حضرت حق است و شناخت حضرت حق بر کسی که طالب خیر دنیا و آخرت باشد، واجب است؛ اگر خدا برای انسان تا آخر عمر مجهول باشد و او را نشناسد، تهی و دست می‌ماند و به قول قرآن مجید، هم‌پای چهارپایان است.

معرفت به پروردگار اشرف و اعظم علوم است؛ چراکه موضوع معرفت خداوند مهربان است و جالب این است که برای اهل او، یعنی آنهایی که علاقه دارند و دوست دارند خدا را بشناسند تا در کنار او خیر دنیا و آخرتشان را تأمین کنند، در شبانه‌روز ده بار واجب کرده که صفات او را در حدی که بشناسند، اول به زبان جاری بکنند و بعد با دل به دنبال باطن این صفات بروند.

نمازهای یومیه هفده رکعت است که سوره حمد باید در ده رکعت آن خوانده شود و واجب است، ترک حمد نماز را باطل می‌کند و دیگر نماز ما نماز نیست. شروع سوره مبارکه حمد با سه وصف از اوصاف جمال پروردگار است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ تکرار این «بسم الله» در شبانه‌روز ده بار تا آخر عمر و فهم «الله» و «رحمن» و «رحیم»؛ انسان را ظرف معرفت خدا می‌کند و این معرفت به تدریج گسترده‌تر هم می‌شود.

«الله»؛ بهترین معنا را در اسماء الهی دارد

«بسم الله الرحمن الرحيم»؛ «الله»؛ من از هر کدام؛ شما تک‌تک؛ تک بپرسم که «الله»؛ یعنی چه؟ همه می‌گویند خدا، می‌گویم: از کجا می‌گویید خدا؟ می‌گویید: در ترجمه‌ها دیده‌ایم و از قدیم هر قرآن با ترجمه‌ای که باز کنیم، تا حالا زیر «الله»؛ نوشته‌اند خدا و می‌گویم «الله»؛ نام خدا؛ که بخشنده است؛ هم معنی «الله»؛ خدا نیست و هم معنی «رحمن»؛ بخشنده نیست و هر دو معنا غلط و اشتباه است؛ لذا من در ترجمه قرآنم که نزدیک هشتاد میلیون نسخه تا حالا چاپ شده است و نزدیک صد ناشر دارند چاپ می‌کنند، «بسم الله»؛ را این‌جوری معنی نکرده‌ام که بگویم: «الله»؛ نام خداوند بخشنده مهربان.

«الله»؛ یعنی چه؟ «الله»؛ به معنی خدا نیست، بلکه «الله»؛ زیباترین معنا، ظریف‌ترین معنا و بهترین معنا را در اسماء الهی دارد. این معنی «الله»؛ است که دارم برای شما می‌گویم و شما هم باید خیلی دقت کنید که این معنا را با دل بگیرید، نه با گوش! با گوش که ما خیلی چیزها را می‌گیریم و مهم هم نیست! قدیمی‌ها می‌گفتند: در کله ما دو گوش است و اگر بخواهیم به گوش قناعت بکنیم، از یک گوش می‌شنویم و از یک گوش هم فراری می‌دهیم. راست هم می‌گفتند! از اول تا حالا، پدر در پدر به ما گفته‌اند دروغ حرام است و حتی به زن و بچه‌تان هم دروغ نگویند.

امیرالمؤمنین می‌گویند: دروغ -شوخی و جدی- حرام است. خب ما این را که شنیده‌ایم، پس چرا دروغ

می‌گوئیم؟ چون شنیده ما از یک گوش آمده و از یک گوش دیگر بیرون ریخته و نمانده است؛ اگر حرام؛ بودن دروغ، حرام؛ بودن غیبت، حرام؛ بودن تهمت، حرام؛ بودن این فحش‌هایی که در جامعه پخش است و حالا شما اسم آن را فحش خواهر و مادر می‌گذارید، اینها حرام است و حد هم دارد. خب پس چرا مردم غیبت می‌کنند، تهمت می‌زنند، فحش می‌دهند؟ نمی‌دانند حرام است؟ نه، چون با گوش شنیده؛ اند، کله‌شان را که تکان داده‌اند، این حرام خدا از آن گوششان بیرون ریخته و نمانده است؛ اگر احکام الهی در من بماند، من عامل به احکام الهی می‌شوم. $\text{الله}>$؛ یعنی چه؟ این را باید با دل بگیرد و نه با گوش؛ همانی که می‌گفتند به حرفم دل بده، به مطلبم دل بده، یعنی نیروی درک انسان -قرآن مجید می‌گوید- قلب است: $\text{لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا}>$؛ اینها نیروی درک و نیروی فهم دارند، اما نمی‌آیند بفهمند؛ نه اینکه آدم‌های نفهمی هستند، این را نمی‌گوید! قرآن می‌گوید: مردم می‌فهمند، ولی نمی‌آیند بفهمند، با دل باید فهمید که بماند!

$\text{الله}>$؛ یعنی ذات مستجمع، $\text{مستجمع}>$؛ یعنی جامع؛ ذات مستجمع جمیع صفات کمال که هر صفتش هم حدود ندارد، چهارچوب ندارد، بی‌نهایت است؛ یعنی وقتی می‌گوییم پروردگار ما مهربان است، یعنی مهربانی؛ اش بی‌نهایت است، یعنی تمام نمی‌شود، محدود نیست و جوری نیست که مهربانی؛ اش را هزینه کند، بعد به بقیه بگوید چیزی دیگر نمانده، بروید گم شوید! این جوری نیست. خدا $\text{رحیم}>$ است، یعنی صفت $\text{رحیمیت}>$؛ او گسترده است و حد هم ندارد، این دریا ساحل ندارد، $\text{غفوری}>$؛ او هم ساحل ندارد، $\text{کریمیت}>$؛ او هم ساحل ندارد، $\text{رحمانیت}>$؛ او هم ساحل ندارد، $\text{ودود}>$؛ بودنش هم ساحل ندارد، $\text{قابل}>$؛ التوب؛ بودنش ساحل ندارد، $\text{غافر}>$؛ بودنش ساحل ندارد، مَلِک بودنش، قُدّوس بودنش، عزیز بودنش ساحل ندارد و ما محدود هستیم، چون مخلوق هستیم.

اگر خدا محدود بود، او هم مخلوق بود و تا حالا چندمیلیارد سال پیش مُرده بود و دیگر عالمی وجود نداشت. ما محدود هستیم و فرق بین ما و او این است که هیچ؛ چیز ما به او شبیه نیست. او یک وجود مقدس مافوق تمام موجودات عالم است که زمان برای او نیست، مکان برای او نیست، بلکه مکان مخلوقش است، زمان هم مخلوقش است؛ او را زمان در آغوش نگرفته و او بی‌نهایت است، او را مکان بغل نگرفته و او بی‌نهایت است، این معنی $\text{الله}>$ است.

روشن شد که قرآن را چه؛ کسی نازل کرده است؟ یعنی شما اگر بخواهید بفهمید قرآن چیست، باید بدانید که قرآن تجلی جمیع صفات کمال بی‌نهایت پروردگار است؛ همین که خیلی جاها وقف مرده؛ هاست! همین که خیلی جاها محدود به مجالس ختم است! همین که بعضی از گداها در کوچه می‌نشینند و باز می‌کنند می‌خوانند که دو زار گیر آنها بیاید! این جور کتاب خدا را پست؛ کردن از اعظم گناهان است. پیغمبر یک جمله در یک روایت مفصل درباره قرآن دارند که این برای من کاملاً ملموس شده است، یعنی این جمله کاملاً حالی؛ ام شده است.

برای اینکه من خودم به توفیق صاحب قرآن، دارم قرآن را تفسیر می‌کنم و الآن به سوره واقعه رسیده؛ ام. نوشته؛ های من از $\text{بسم الله}>$؛ سوره حمد تا اینجا، بالای دوازده؛ هزار صفحه کاغذ؛ چهار؛ شده است. شما حالا امشب برو و دو صفحه بنویس، بین حالش را داری، حوصله داری؛ اما قرآن چنان به انسان نیرو می‌دهد، نور می‌دهد، انرژی می‌دهد که یک طلبه بنشیند و دوازده؛ هزار صفحه $\text{چهار}>$؛ درباره دقایق و حقایق و لطایف قرآن مطلب بنویسد و بعد از این دوازده؛ هزار صفحه بفهمد که هیچ؛ چیزی نتوانسته از قرآن کشف بکند. این قرآن است! پیغمبر می‌فرمایند: $\text{لا تحصی عجائبه}>$؛ شگفتی؛ های این قرآن قابل؛ شمردن نیست. ننشین و بگو یک، دو، سه، ده، میلیارد، سه؛ میلیارد، شش؛ میلیارد! عجایب این کتاب و شگفتی؛ های که در دل آیاتش است، ابداً تا قیامت قابل؛ شمردن نیست.

فخر رازی که اهل همین منطقه ری بوده است (رازی یعنی اهل ری)، این یک عالم سنی است که در قرن هفتم و در همین شهر ری نشسته، تفسیر نوشته که تفسیرش چهل جلد است. تفسیر او خیلی عالمانه است! خودش بچه شاه؛ عبدالعظیم بوده، ولی خیلی آدم باسوادی بوده و تفسیر عالمانه است.

$\text{بسم الله الرحمن الرحيم}>$؛ اولین آیه قرآن، $\text{الحمد لله رب العالمين}>$؛ آیه دوم قرآن؛ من چندبار این تفسیر را زیور کرده؛ ام، چهل؛ سال است که کتابش را دارم، در $\text{الحمد لله رب}>$

العالمین؛ یک راهنمایی می‌کند و می‌گوید: اگر از این ناحیه با این وضع به الحمد لله رب العالمین؛ نگاه بکنید، این آیه‌ای که نصف خط است، یک خط هم نیست و با یک میلیون معنا در ارتباط است. قرآن برای بهشت زهراست؟ فعلاً که برای آنجاست!

برای مجالس ختم است؟ فعلاً که برای مجالس ختم است! پس این همه قاریان؟ قاریان که الفاظ قرآن را قرائت می‌کنند! در کدام جلسه قرآنی کشور حقایق قرآن را انتقال می‌دهند؟ می‌آیند و می‌نشینند، یک خوش‌صدای با ادب بزرگوار می‌آید و می‌خواند، آنهایی هم که می‌شنوند، دوستان و تا الله، الله، و الله؛ و بارک الله؛ شما پنج و گویند و جلسه تمام می‌شود. حالا بگو چه چیزی از قرآن گیر تو آمد؟ هیچ چیزی! شما پنج و تا آیه در جلسات قرائت قرآن بخوانید، یک دانه؛ اش را به یک عالم وارد بدهید که حقایق آیه را به مردم انتقال بدهد.